

## «اتحاد سوسیالیستی...» و فرجام سیاه فرقه گرایی

« اتحاد سوسیالیستی...» با انتشار نوشته ای زیر نام «.. رهنمودهای نادرست و مضر محسن حکیمی» مدعی شده است که گویا نامه اخیر «حکیمی» مروج مماشات و مبلغ جایگزینی قهر با اعتراضات راست روانه و مسالمت آمیز در میان کارگران است!!!

نوشته مذکور برگی از طومار مفصل یک توطئه سکتی و ضد کارگری است که از اول ماه مه سال 2004 تا امروز از سوی فرقه بالا، علیه جنبش ضد سرمایه داری کارگران در ایران، علیه فعالین این جنبش و با هدف متفرق نمودن هیأت مؤسس کمیته هماهنگی و متلاشی نمودن اتحاد فعالین این کمیته و بیشتر از همه علیه محسن حکیمی جریان داشته است. ما کمی پایین تر محتوای توطئه و مراحل مختلف طراحی و اجرای آن توسط فرقه مذکور را برای همه کارگران و فعالین چپ ایران توضیح خواهیم داد. اما مقدم بر این کار باید به دو موضوع هر چند بصورت کوتاه و تیتروار اشاره کنیم.

### 1. محسن حکیمی چه گفته است؟

حکیمی در این نامه و در تمامی طول 2 سال اخیر در سخنرانیها، نوشته ها، مصاحبه ها و در همه جاهای دیگر با صراحت کامل اعلام داشته است که به جای شعارهای توخالی زنده باد، مرده باد، به جای رادیکالیسم کاغذی ماوراء طبقاتی باید با بنیاد کار مزدوری و برای محو کل نظام کاپیتالیستی وارد میدان شویم. حکیمی از سازمانیابی جنبش ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی طبقه کارگر سخن رانده است. او از ایجاد تشکل ضد سرمایه داری کارگران بجای فرقه بازیهای ارتجاعی غیر کارگری و ضد کارگری حرف زده و برای متشکل نمودن کارگران علیه سرمایه داری تلاش کرده است. حکیمی این ها را گفته است و در دوزخ توحش سرمایه برای تحقق این حرفها مبارزه کرده و در حال مبارزه است.

محسن حکیمی علیه رفرمیسم راست سندیکالیستی و رفرمیسم میلیتانت نمای فرقه گرا حرف زده است و در عمق جنبش کارگری ایران هر چه شفاف تر فریاد کشیده است که باید با اتکاء به نیروی طبقه خود متشکل شویم. باید متشکل شدن خود را بر دولت بورژوازی تحمیل کنیم. باید از درون جنبش ضد سرمایه داری با دولت سرمایه داری ستیز کنیم. دولت بورژوازی باید با دست جنبش ضد سرمایه داری کارگران به خاک سپرده شود.

اینها حرفهای محسن حکیمی است. نوشته اخیر وی نیز چیزی سواى این ندارد. او در اینجا نیز تصریح کرده است که باید به جای شعارهای توخالی، نیروی واقعی پیکار کارگران را به میدان آورد. حکیمی این را گفته است و هر انسانی که ریگی به کفش خود ندارد، هر آدمی که در فرقه بازیهای کودکانه و ابلهانه و اغراض کثیف فردی و فرقه ای مسخ و تباه نگردیده است، به خود اجازه نمی دهد که گفته های وی را به گونه دیگری ترجمه کند. فرض بر این بگذریم که گفته ها قابل تعبیر و تفسیر باشند. مگر محسن حکیمی در طول عمر خود فقط همین یک جمله را گفته است؟؟! چه کسی نمی داند که حکیمی در بحث تشکل کارگران، علیه هر نوع سیاست رجوع به دولت بورژوازی شوریده است؟ چه کسی نمی داند که حکیمی سخنان مراسمی بوده است که باید حتی بدون هیچ مجوز دولت بورژوازی برگزار می شد؟ حکیمی در دهها کارزار کارگری شرکت کرده است که در تمامی آنها بر قانون و قانونیت سرمایه مهر باطل زده شده است. چه کسی نمی داند که اساس اختلاف حکیمی و رفقایش با سندیکالیستهای راست و چپ مورد حمایت فرقه اتحاد سوسیالیستی بر سر اصل متکی بودن تشکل کارگران به نیروی طبقاتی خود آنها، بر سر ضرورت ضد سرمایه داری بودن تشکل کارگری و بر سر طرد هر نوع قانونیت و قراردادیت بورژوازی بعنوان شرط و شروط متشکل شدن کارگران بوده

است؟ اینها را همه می دانند و فرقه اتحاد سوسیالیستی بیش از هر کس دیگری این حقایق را می داند. تمامی ضدیت و تنفر این فرقه نسبت به حکیمی و تمامی دسیسه ها و توطئه چینی های بانیان فرقه مذکور علیه حکیمی هم دقیقاً از همین جا سرچشمه می گیرد.

## 2. بانیان این توطئه را بشناسیم.

« اتحاد سوسیالیستی ... » فرقه ای است که بصورت یک ناقص الخلقه راست از بطن حزب کمونیست کارگری متولد گردیده است. حرفها، نگاهها، تحلیلها و راه حلهای این فرقه برای طبقه کارگر ایران، بر اساس آنچه که در مطبوعات گروه و بطور مشخص در نوشته های ایرج آذرین منعکس شده است، بسیار مختصر به شرح زیر است.

در شرائط روز جهان طرح کمونیسم به صورت یک بدیل واقعی عاجل موضوعی غلط، راسیونالیستی و اتوپیک است! باید به نقد سیاستهای روز بورژوازی اکتفاء کرد و خواستار اصلاحات بیشتر و بیشتر به نفع جنبش کارگری شد.

- جنبش اصلاحات سیاسی دوم خرداد در ایران بسیار عمیق است و چگونگی اتخاذ سیاست در مقابل این جنبش باید محور و اساس خط مشی نیروهای چپ و کارگری باشد!  
- بورژوازی ایران تا پیش از دوم خرداد خاتمی به دلیل رشد ناکافی صنعتی!! و کمبود توسعه سیاسی!! قادر به تشکیل دولت واقعی سرمایه داران نبوده است. بورژوازی با عروج خاتمی و جنبش 2 خرداد این صلاحیت را احراز نموده و اینک دست به کار جایگزینی دولت سرمایه داری با دولت سرمایه داران است!

- تکالیف سیاسی پرولتاریا در قبال این وضعیت عبارت است از:  
مطالبه قراردادهای جمعی کار به جای قراردادهای فردی و محلی!  
درخواست دستمزد بالاتر برای همه کارگران به جای گروههای معینی از کارگران!  
اتحادیه برای همه کارگران و نه فقط برای بخشی از آنها!  
ضرورت حضور و مشارکت کارگران در بازسازی اقتصاد سرمایه داری بر اساس الگوی جدید اقتصادی و تلاش برای جلب موافقت بخشهای هر چه بیشتری از بورژوازی در این راستا!  
مطالبه بهبود تکنولوژی در کارگاههای کوچک، به این دلیل که با توسل به توسعه صنعتی بیشتر این کارگاههاست که می توان بر روی افزایش دستمزد کارگران در این قلمروها اصرار نمود!  
پیگیری مبارزه قانونی و علنی و ضرورت صنفی بودن و علنی بودن و قانونی بودن تشکلات کارگری!  
ضرورت خودداری کارگران از اعتصاب در کارگاههای کوچک، زیرا که این اعتصابات به بیکار شدن کارگران! منتهی می شود

خطوط عمومی نظرات و نوع تحلیلهای بالا، کل دار و ندار سیاسی این فرقه را در پیش روی ما قرار می دهد. توهم آفرینی پیرامون جنبش اصلاحات و تلاش برای انحلال کامل جنبش کارگری در ورطه سیاست های راست سندیالیستی یا نقد لیبرالی نئولیبرالیسم محتوای واقعی این نگرشها و راهکارها را تعیین می کند. آنچه جریاناتی نظیر حزب توده و اکثریت و بویژه ناسیونالیستهای داغدار انباشت صنعتی افزونتر در طول سالیان دراز در جنبش کارگری تبلیغ کرده اند در سالهای اخیر مضمون گفتگو و نظر پردازیهای سران این فرقه بوده است. رهنمودهای آنان دائر بر گره زدن مطالبات کارگران به انباشت صنعتی بیشتر یا موکول کردن اشتغال کارگران به انصراف توده های کارگر از اعتصاب نیز نسخه ای است که حتی بدترین گرایشهای سندیالیستی از ترس کارگران در طرح صریح آن تردید روا می دارند. طنز ماجرا اینجاست که مطرح کنندگان این نظرات و تحلیلهای اصرار داشته و اصرار دارند که همین حرفها و شعارها را نقد طبقه کارگر بر جنبش اصلاحات، تلقی نمایند و به بیان دیگر رفرمیسم راست سندیالیستی و نقد لیبرالی نئولیبرالیسم مورد باور خود را بعنوان مانیفست گرایش چپ کارگری به خورد کارگران بدهند!!!

از نظر پیشینه کار سیاسی، سران فرقه کسان‌ی هستند که روزگاری با آویختن به کومه در ایجاد جریانی به نام حزب کمونیست ایران همراهی کرده اند. 10 سال بعد این حزب را مظهر تمامیت ناسیونالیسم و ظرف ابراز وجود بورژوازی کرد نامیده اند. آنان سپس در ساختن پدیده ای به نام حزب کمونیست کارگری شرکت جسته اند و باز هم 10 سال بعد همین حزب را ضد کارگری و بورژوائی خوانده اند. آنان اخیراً بصورت شرم آگین و بدون اعلام رسمی نقد خویش بر حزب کمونیست را پس گرفته اند اما سرنوشت نقد آنان بر حزب دوم هنوز معلوم نیست. سران سکت هیچگاه برای هیچکس توضیح نداده اند که چرا سالیان دراز عضو دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزبی بوده اند که به زعم ایشان ظرف حضور بورژوازی کرد یا بورژوازی غیر کرد بوده است. اینان در هیچکدام از این جدائیها و سوائیها حتی یک کلمه نقد کارگری و کمونیستی بر گذشته سراسر سوسیال بورژوائی خود بر زبان نرانده اند. برش اینان از هر دو حزب برش از رادیکالیسم کاغذی فراطبقاتی از موضعی سراسر سندیکالیستی و راست روانه و اپورتونیستی بوده است.

## پیشینه توطئه علیه فعالین جنبش ضد سرمایه داری در ایران

سران این فرقه در چند سال پیش به دنبال تجزیه حزب کمونیست کارگری ابتدا تمامی سعی خود را به کار بستند تا شاید شماری از مستعفیون را با خویش همراه سازند و از این طریق فرقه ای در مقابل جریان قدیمی بر پای دارند. آنان در این کار شکست خوردند و به دنبال این شکست بر آن شدند که با علم کردن مباحث فوق افرادی را از این سوی و آن سوی دور خود جمع نمایند. بانیان فرقه در این گذر نیز دچار شکست شدند.

با تشدید فزاینده مبارزات کارگران در ایران و به ویژه به دنبال طرح تشکل ضد سرمایه داری طبقه کارگر توسط محسن حکیمی و سایر فعالین جنبش کارگری، احساس خطر عمیقی وجود صاحبان این فرقه را در خود فرو پیچید. رفرمیسم راست سندیکالیستی و دیدگاههای حزب توده ای، با طرح سازمانیابی ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی کارگران سر سازش نداشت. اینان از این لحظه تمام سعی خود را برای جلوگیری از پیشرفت کار فعالین ضد سرمایه داری به کار بستند. رخداد اول ماه مه سال 2004 و حوادث متعاقب آن به همان میزان که نقش فعالین ضد سرمایه داری در جنبش کارگری ایران را بر جسته می ساخت، بر وحشت دار و دسته اتحاد سوسیالیستی می افزود. سران فرقه خود را در استیصال سیاسی عمیقی غرق می دیدند و بر همین اساس، توطئه، توطئه و باز هم توطئه تنها طریق مقابله آنان با گرایش رادیکال ضد سرمایه داری درون جنبش کارگری بود.

### اولین توطئه اتحاد سوسیالیستی

همگان اطلاع دارند که در روز اول ماه مه سال 2004 به دنبال تهاجم سبعانه دولت بورژوازی علیه صفوف کارگران شهر سقز، 50 فعال جنبش کارگری توسط عمال رژیم دستگیر و 7 تن آنان تسلیم شکنجه گاهها شدند. به دنبال دستگیری این کارگران کارزار وسیعی سراسر داخل و خارج کشور را فرا گرفت. همه برای آزادی این فعالین در تلاش بودند و در این میان فرقه اتحاد سوسیالیستی تنها کارش خوشه چینی از جنایات رژیم اسلامی برای وارد کردن ضربه به فعالین جنبش ضد سرمایه داری بود. در این روزها افرادی از کانون زندانیان سیاسی و فعالین دیگر خارج کشور تلاش وسیعی را برای جلب موافقت جمعیت وکلای بدون مرز و سایر نهادهای حقوقی و کارگری بین المللی در اعلام آمادگی برای شرکت در بیدارگاههای رژیم و دفاع از دستگیرشدگان سقز شروع کرده و به پیش می بردند. سکت اتحاد سوسیالیستی از تلاش افراد کانون و سایر فعالین سخت غضبناک بود و برای یافتن فرصت در کار ضربه زدن به اینان و به فعالین ضد سرمایه داری داخل کشور دقیقه شماری می کرد تا اینکه یک حرف معمولی یکی از اعضای کانون تمامی زمینه لازم را برای سوء استفاده های ناپاک ضد کارگری در اختیار آنان قرار داد. بابک عماد در جریان یک مصاحبه از اهمیت کمک مالی برای هزینه پرونده

دستگیر شدگان سخن گفت و سکت اتحاد سوسیالیستی بدون هیچ فوت وقت، از طریق یکی از اعضایش وارد میدان شد تا حرف بابک را به سلاحی برنده برای افروختن آتش اختلاف میان دستگیر شدگان اول ماه مه سفز مبدل سازد. این توطئه که شرح آن مفصل است بالاخره با شکست مواجه گردید و بنیاد همراهی و همکاری دستگیر شدگان سفز نه فقط تضعیف نشد که روز به روز مستحکم تر شد.

### تشکیل کمیته پیگیری و توطئه بعدی اتحاد سوسیالیستی

کمیته پیگیری با ترکیبی از سندیکالیستهای قدیمی، فرقه گرایان سنتی، ناسیونالیستهای طرفدار اصلاحات و مانند اینها تشکیل گردید. سکت اتحاد سوسیالیستی به هر ریسمانی چنگ انداخت تا راهی برای نفوذ به درون این ترکیب راست فرمیستی پیدا کند، و از این طریق راه توسعه و پیش روی و سازمانیابی جنبش ضد سرمایه داری کارگران را سد نماید، اما این تلاشها مثل همه تلاشهای دیگر آنان، ناکام ماند. رقبا خود به اندازه کافی رهبر و ایدئولوگ و «نظریه پرداز»! داشتند و نیازی به آقا بالاسری صاحبان سکت اتحاد سوسیالیستی نمی دیدند. ناخدایان کشتی فرقه با مشاهده در بسته کمیته پیگیری راه چاره را در دعوی کدخدائی دیدند!!! آنان بسیار ریاکارانه، بدون طرح هیچ سخنی پیرامون مخالفت یا موافقت با کمیته پیگیری، پرسشنامه ای را تهیه و با رمز ویژه مخفی بودن!!!! به امید انتشار علنی هر چه وسیعتر ماجرا!!! در اختیار محارم و از این طریق در اختیار همگان قرار دادند. صاحبان سکت در این نوشته به خوانندگان خود اطمینان دادند که کلید جنبش کارگری ایران بطور کامل زیر نگین انگشتی آنان است و دست اندرکاران و فعالان داخل مستمراً کسب تکلیف کرده و می کنند که با کمیته پیگیری چه کنند و اینکه آنان از مقامات بالای سکت دستور دارند که تا اطلاع بعدی منتظر بمانند.

سران سکت به موازات این اقدام و با دریافت خیر احتمال تشکیل کمیته هماهنگی بلافاصله بر آن شدند تا هر طور شده، مستمسکی برای اثبات حضور خود در جنبش کارگری ایران دست و پا کنند. برای سران این فرقه سازمانیابی جنبش کارگری چیزی بیش از یک بازار رقابت فرقه ها نبود. آنان تلاش می کردند تا از این طریق، اوراق عمده سهام بورس مشارکت در این بازار را از آن خود سازند. از دید این جماعت افتتاح این بورس یک راه اساسی مقابله با تشکیل کمیته هماهنگی و سدی بر سر راه رشد و نفوذ جنبش ضد سرمایه داری کارگران بود. این توطئه نیز با شکست مواجه شد.

### توطئه تفرقه افکنی

فرقه اتحاد سوسیالیستی مدتهای مدید تمامی تلاش خود را مصروف آن ساخت که خط فاصل عمیق میان محسن حکیمی و سایر دستگیر شدگان بگشاید!!! تا محسن حکیمی را مترجمی از کانون نویسندگان معرفی نموده و اساس فعال کارگری بودن وی را زیر سؤال برد. این توطئه نیز که مدتهای طولانی دوام داشت و تا کنون دوام دارد همه جا با شکست قطعی مواجه شد. همگان دیدند که رشته پیوند فعالین ضد سرمایه داری نه فقط قطع نشد و تضعیف نگردید که مستحکمتر شد و سرانجام در تشکیل کمیته هماهنگی به بیشترین استحکام و دوام و ظرفیت رسید. فرقه اتحاد سوسیالیستی در این توطئه نیز ناکام ماند اما به بسیاری توطئه های دیگر در این راستا دست یازید که پرداختن به همه آنها در حوصله این مختصر نمی باشد.

تلاشهای اخیر رضا مقدم و علی خدروی پیرامون دادن نسبتهای زشت و ناروا به محسن حکیمی در این شرائط حساس، یا طرح پرسشهای پلیسی از فعالین لغو کار مزدی فقط حلقه پوسیده ای از تداوم این توطئه هاست. این نکته ای است که همه کارگران و همه فعالین راستین جنبش کارگری باید بدانند.

حیدر کریم

یوسف دانش